سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۸۰ ■ سه شنبه ■ ۲۵ مرداد ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۹ | اذان مغرب ۲۰/۱۲ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۴/۵۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۵

سخن روز

امام سجاد علیه السلام:
بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها وفا است.
[بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۱۶۱]



نـــگاره
احمدرضا سهرابی

کرونا تمام نشده است



آیا رواست اینگونه شمشیر از رو ببندیم!



محمد میرزمانی: این روزها مواجه شدیم با نقدهایی بر یکی از شاعران و غزل سرایان نامی ایران، که اخیراً فوت شده‌اند. البته این نقدها بیشتر نقد ادبی هستند و ازدیدگاه من فی نفسه چندان غیرمنطقی نیستند. و در نقد آثار و سبک هنرمندان، مقالاتی از این دست یافت می‌شود. اگرچه بنده ادیب نیستم و کمترین ادعایی در این زمینه ندارم اما حرفم چیز دیگری است. نخست اینکه آیا روا است برای عزیزی که به تازگی از بین ما رخت بربسته و هنوز پیکرش به خاک سپرده نشده، اینگونه شمشیر را از رو ببندیم! نکته دیگر اینکه اگر در زمان حیات هنرمند چنین نقدهایی مطرح و ارائه شود، هم مخاطبان می‌توانند استفاده بهتری داشته باشند و هم کسی که مورد نقد قرار گرفته فرصت دفاع از خود می‌یابد. اگرهم این نوع نقدها در زمان حیات ایشان بوده بنده متأسفانه ندیده‌ام.

یادداشت اختصاصی این آهنگساز



من عاقبت از اینجا خواهم رفت
پروانه‌ای که با شب می‌رفت
این فال را برای دلم دید

محمدرضا شفیعی کدکنی

موسیقی؛ راه و برای کمال

یادداشت



محسن نفر
نوازنده و آهنگساز موسیقی

شیرینی تنها، دلیل وجود عسل نیست.اگرچه عده‌ای به خاطر آن مصرفش کنند و برای لذت از حلاوتش، از آن استفاده کنند!

موسیقی و هنرهم برای لذت آدمی موجود نیستند. اگرچه استفاده از آنها لذتبخش باشد. موسیقی برای کمال آدمی موجود است. اصلاً هرچه که در طبیعت وعالم هست، برای کمال انسان است. آخرین نقطه کمال هم، کمال مطلق است. هنر می‌تواند نشانه‌های کمال مطلق را به انسان بنمایاند. مقصدی که بعد و بالاتر از آن، مقصدی نیست!

مقصد هنر، رسیدن به احساسِ شیرینِ لذت نیست! لذت از عوارض هنر است نه نتایجش!

استفاده از هنر برای لذت، نادیده گرفتن دلیل وجود و فایده وجود آن است. اگر ما لذت را هدف و نتیجه هنر بدانیم، آن را به خلاف مقصودش می‌بریم. با این عقیده، برای نیل به لذت، هنر از مسیر اصلی‌اش که کمالجویی است، منحرف می‌شود و ما برای رسیدن به لذات تازه‌تر و متنوع تر، هنر را به هر منجلاب آلوده‌ای، رهسپار می‌کنیم. پس کمال خواهی ازهنر، مواظبت از این است که از مسیرش خارج نشود. اگر ما از درختی تمنای میوه‌ای لذیذ داریم، مراقبت از آن در مقابل حوادث وآفات را باید به عهده داشته باشیم. اگر از موسیقی و هنر انتظار کمال داریم، باید از انحرافش از مسیر کمال، آگاه و مانع باشیم. درختی که در آب و هوای مسموم و آلوده زیست می‌کند، میوه‌اش غیر از آن نمی‌شود. هنر در مسیر آلودگی، نتیجه‌اش جز آلودگی نیست. لذت‌جویی، بستری صرفاً بی‌عیب و نقص نیست! بسیاری از اعمال و طرق آلوده، لذت ایجاد می‌کنند. اصلاً اگر بحث و جست‌وجوی لذت نبود، هیچکس به‌دنبال آلودگی و در مسیر آن قرار نمی‌گرفت. لذت که هم در خوبی‌ها و هم در بدی‌ها هست، جَذبه و نمک و مزه حیات و وجود است. لذت و شیرینی، جاذبه هر چیزی است. نباید برای جاذبه چیزی از وجود و نتیجه آن غافل بود. توجه به لذت، غفلت از حقیقت است.توجه درهنر، غفلت از وجود و نتیجه هنراست. آری هنر، بسیار لذتبخش است اما حقیقتش برای لذت نیست. همه چیز حاوی لذت است. لذت در هنر هست و باید به‌دنبال چیزی باشیم که حاصل نباشد بلکه حاصل بشود. لذت‌جویی در هنر، تحصیل حاصل است! چیزی که برایمان حاصل است، چرا باید به دنبالش باشیم؟ باید ببینیم پس از لذت چه بر سرمان می‌آید؟ با لذت از کجا به کجا می‌رسیم؟ پس از لذت، عقب‌تر از قبل از لذتیم یا جلوتر؟ بالاتریم یا پایین تر؟ چطور بفهمیم؟

ملاک چیست؟ ملاک خداست. راه‌های رسیدن به او، بی‌نهایت است که با اخلاق محک می‌خورند! اگر لذتی ما را به خدا رساند، آن لذت موجب کمال است و برای اینکه بدانیم لذتی موجب کمال است، باید اخلاق، آن را تأیید کند.

لذت درهنر، عارضه هنر است. این عارضه هم صاعد است و هم نازل. هم بالا می‌برد و هم زمین می‌زند! شرط صعودش، اخلاق است. اگر با اخلاق سازگار باشد، کمال جو است و اگر نه، نه! در صورت دوم، هنر از مسیر طبیعی و مطلوبش منحرف می‌شود و نقض غرض است! پس می‌توان با لذت سقوط کرد و زمین خورد. چه بسیار لذاتی که نزول می‌دهند و سقوط.

نازل می‌کنند و ساقط! و هنر چه عجیب چنین است! هنر با ذات دلنشین و ذائقه شیرینش، به طرز عجیبی ساقط می‌کند و سقوط می‌دهد. اگر با اخلاق و کمال آدمی هم جهت نباشد. در میان زمینه‌های هنر، موسیقی بیشترچنین است. موسیقی به‌دلیل ماهیت نامرئی‌اش، نفوذ بیشتری دارد و خودش در وجود آدمی و مخاطب می‌نشیند. چه انواع و نمونه‌های بیشماری از موسیقی که آدمی را از مرتبه آدمیت ساقط کردند و چه بسیار مواردی که به خدا نزدیک! در حالی که در همه موارد، دلنشین و لذت بخش بوده‌اند!

سفر به جامعه نژادپرست امریکا

پیشنهاد



حمیدناصری‌مقدم
فیلمساز

به تاریخ جایزه اسکار و حواشی آن که نگاهی بیندازیم همیشه متوجه گله‌مندی‌ها و شکایت‌ها و شگفتی‌های فراوان می‌شویم. چرا پیتر اوتول اسکار نگرفته؟ چرا آل پاچینو فقط یک بار توفیق داشته؟ چرا هیچکاک دستش کوتاه بوده؟ در این بین اما، برخی می‌آیند، کارشان را می‌کنند، جایزه‌شان را می‌گیرند و می‌روند تا کار بعدی را شروع کنند. یکی همین ماهرشالا علی که دو جایزه نقش مکمل مرد را طی سه سال برای فیلم‌های «مهتاب» و «کتاب سبز» گرفته است. «کتاب سبز» براساس ماجرایی واقعی نوشته و ساخته شده است. ویکتور هوگو گرین در سال ۱۹۳۶ یک راهنمای سفر مخصوص سیاه‌پوستان امریکا نوشت که در آن لیست هتل‌ها، رستوران‌ها و حتی پمپ بنزین‌هایی را که سیاهان اجازه استفاده داشتند جمع‌آوری کرد و نام خود را روی کتاب گذاشت. بنابراین شاید درست‌تر این باشد که کلمه گرین را ترجمه نکنیم و نام فیلم را بعد از ترجمه، «کتاب گرین» بنامیم. این کتاب با چاپ تقریبی سالانه ۱۵۰۰۰ جلد به مدت ۳۰ سال در جامعه نژادی آن زمان امریکا کاربرد فراوانی داشت. داستان این فیلم مربوط به سال ۱۹۶۲ است. زمانی که دکتر دان شرلی تصمیم می‌گیرد به مناطق نژادپرست امریکا سفر کرده و تور موسیقی خود را برگزار کند. دان شرلی دارای مدرک دکتری در موسیقی، روانشناسی و هنر است و به چند زبان زنده دنیا مسلط. اما مهم‌تر از اینها چیره‌دستی او در نوازندگی پیانو در سبک‌ها جَز و کلاسیک است. او دو همراه برای سفرش انتخاب می‌کند: «کتاب سبز» و یک راننده به نام تونی لیپ واللونگا.

«کتاب سبز» یک فیلم کاملاً جاده‌ایست که در آن دو شخصیت متضاد در کنار هم قرار می‌گیرند و قرار است تا پایان فیلم به تحول برسند. دان شرلی آفریقایی-امریکایی، تنها، مغرور، فرهیخته، باکلاس، پولدار و البته سیاهپوست که حاضر نیست از چهارچوب رفتاری خود خارج شود در کنار تونی لیپ ایتالیایی-امریکایی، خانواده‌دوست، بزن‌بهادر، کم سواد، بی‌کلاس و سفیدپوست که قرار است تا پایان سفر، هم نفرتش از سیاهان کم شود و هم آداب معاشرت و رفتار اجتماعی درست و دانش بیشتری بیاموزد. تونی یک بادیگارد است که به‌عنوان راننده توسط دکتر شرلی استخدام می‌شود. فیلمساز بدرستی ماشینی را انتخاب کرده که تیغه عمودی بین درها را ندارد در نتیجه دو شخصیت اصلی فیلم در یک قابِ بدون مرز با کمی فاصله در کنار هم دیده می‌شوند. فاصله‌ای که در طول فیلم کمتر و کمتر می‌شود.

لایه عمیق و اصلی فیلم حکایتِ مبارزه مدنی با نژادپرستی‌ست که به شکلی روشن و واضح در پوسته رویی داستان اصلی فیلم روایت می‌شود. داستان دو مرد که حداقل یک رگ امریکایی دارند اما جامعه آنها را در یک طبقه اجتماعی قرار نمی‌دهد. گرچه تونی به خاطر رنگ پوستش در طبقه بالاتر قرار دارد(به لطف داوری جامعه نژادپرست) اما به لحاظ مالی ناچار است به همکاری با یک سیاه‌پوست تن دهد، یک توفیق اجباری. آموزه‌های فیلم اما، منحصر به شعارهای ضد نژادپرستی نیست. از آداب معاشرت و دوستی می‌گوید. از اینکه چگونه ابراز احساسات کنیم و درست عشق بورزیم. از حق می‌گوید و از آزادی.



■ کتاب سبز، کارگردان: پیتر فارلی
■ بازیگران: ویگو مورتنسن، ماهرشالا علی، لیندا کاردلیانی، اقبال طبا
■ محصول: ۲۰۱۸

در عرصه هنر و هویت دینی کوتاهی کرده‌ایم

یادداشت



شهرام کرمی
نویسنده و کارگردان تئاتر کودک

کودکان امروز بشدت درگیر فضای مجازی شده‌اند و به جای آنکه با الگوها و اسوه‌های ملی و مذهبی خود آشنا باشند، از این فضای غیرواقعی الگوبرداری می‌کنند؛ برای مثال یک گروه موسیقی کره‌ای می‌تواند فرزندان ما را چنان مشتاق کند که زبان کره‌ای بیاموزند و با تقلید از این گروه، از هویت خود فاصله بگیرند و دچار از خود بیگانگی فرهنگی شوند. متأسفانه به سبب کم کاری و بی‌توجهی مدیران فرهنگی و هنری، پیشینه غنی فرهنگی ملی و مذهبی ما، کودک و نوجوان و جوان کشورمان را آنچنان که باید و شاید جذب نمی‌کند.

باید بپذیریم ما در عرصه هنر در توجه به هویت دینی، تاریخی و فرهنگی‌مان بسیار کوتاهی کرده‌ایم. همان اندازه که کشورهای دیگر به مفاهیم فرهنگ دینی خود و به مفاهیم سنتی خود و به مفاهیم اخلاقی خود توجه دارند و به منظور اشاعه و گسترش و معرفی آن می‌کوشند، ماهم به همین اندازه باید به فرهنگ غنی خود و آموزه‌های دینی و تاریخ پربار دین اسلام توجه کنیم؛ ولی متأسفانه کمتر به این حوزه‌ها توجه شده است. ما نهادهای متولی فرهنگ و هنر زیادی داریم؛ بویژه آنها که اساساً سرلوحه کارشان توجه به مفاهیم دینی است؛ اما در عرصه تولید دینی باید بپذیریم که تولیدات ما به آن اندازه که باید نبوده یا این تولیدات حرفه‌ای نبوده‌اند.

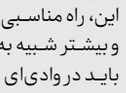
در فرایند خلق و آفرینشگری هنری تولید حرفه‌ای بسیار حائزاهمیت است. صرفاً تولید هنری نمی‌تواند منجر به معرفی و شکل‌گیری یک اثر فاخر هنری بشود؛ بلکه بسیار مهم است که ما بتوانیم روند تولید حرفه‌ای را شکل و تداوم بدهیم. ما در این حوزه به دلایل بسیاری کم‌کاری کرده‌ایم. یکی از دلایل این است که تغییر و تحول مدیران فرهنگی - هنری متأسفانه خیلی زیاد است. بسیاری از این مدیران به موضوعات هنری اشراف ندارند. ما در موضوعات مختلف چون صنعت، کشاورزی، علوم مختلف تولید و دانش بنیان بجز فرهنگ و هنر شاهد رشد قابل توجه هستیم ولی در عرصه هنر درگیر بوروکراسی اداری می‌شویم یا بسیاری از نهادهای فرهنگی-هنری باید با بودجه محدود فعالیت بکنند.

جهان معاصر، بویژه دنیای مجازی، جهان رو به گسترش و پرسرعتی است و در این شرایط جهان، ما بیشتر از همیشه نیاز به توجه در حوزه هنر داریم. بویژه در حوزه هنر کودک و نوجوان که آینده‌سازان میهنمان هستند.

متأسفانه بر اثر اعتیاد به فضای مجازی، شخصیت کاذب فردی جایگزین شخصیت‌های واقعی بشری شده‌اند که این از آفت‌های جهان معاصر است و انسان را از ماهیت و فرهنگ خود دور می‌کند و چه بسا سبک زندگی افراد را تغییر می‌دهد؛ حال آنکه ما در زندگی با یکسری مفاهیم بدیهی و یکسری اصول اخلاقی و آموزه‌های انسانی هم مواجه هستیم، که محدود به تاریخ و زمان نیستند؛ بویژه در مفاهیم دینی و ظهور دین و در واقع ظهور پیامبران و امامان که برای آگاهی بشر و تسهیل پیچیدگی‌های زندگی بوده و راه درست زندگی را به انسان نشان می‌دهد، اینها همه از ضرورت‌های وجودی انسان است و با اتصال به وادی دین و هنر است که می‌شود مانع شد تا فضای مجازی کودک و نوجوان را از هویت واقعی خود دور کند و داشته‌های معنوی ما را در معرض تهدید قرار دهد.

جعل معنا برای افسردگی

یک فنجان چای



رامتین ایمانی نوبر
روانشناس

جی. آر.آر.تالکین نویسنده کتاب ارباب حلقه‌ها در جلد دوم کتاب (دو برج) از زبان آراگورن نوشت: «کارهایی هست که دست زدن به آنها بهتر است از سر باز زدن، هرچند که فرجامش حزن‌انگیز باشد.» یکی از نشانه‌های معمول در افسردگی، بویژه از نوع عمده، احساس تهی بودن است، اینکه گویی فرد خودش و همه آنچه را که در زندگی می‌توانسته به آن تعلق خاطر داشته باشد از دست داده، نه معنایی برای زندگی و نه هدفی برای زیستن دارد. شناختش نسبت به خود، دیگران و دنیا منفی شده و احساسش وارد یک بحران وجودی شده؛ احساسی که عبارت است از آگاهی هشیار از یک هیجان. در این هنگام، آنچه که او تجربه می‌کند و از آن احساس آگاه می‌شود، بی‌هیجانی، کرختی و سستی است و گویا سایر هیجان‌ها در درون وی محبوس شده‌اند و غم نیز فراتر از یک هیجان، بدل به یک عادت و ماهیتی از وجود او شده است. بنابراین آنچه که بیش از پیش می‌تواند وی را بیازارد، نداشتن احساس است. از این رو در پاره‌ای از مواقع ممکن است تصمیم بگیرد که هر طور شده نگاره احساسی را روی صفحه درونش خط خطی کند، ولو آن احساس توأم با درد، رنج، شقاوت، پلشتی و مضرات بسیار باشد. ممکن است به عادات خطرناکی مثل مصرف مواد مخدر، الکل یا حتی خودزنی ختم شود تا حداقل بتواند احساسی را در ورای این بی‌احساسی لمس کند. نکته قابل توجه و نامتعارف در این خصوص آن است که احساسات ولو منفی هم باشند از بی‌احساس بودن، بهتر هستند. در واقع شکل‌گیری این احساس منفی حتی می‌تواند میل به زیستن را بیشتر کند! از آنجا که این، راه مناسبی برای گریز از بحران افسردگی نیست و بیشتر شبیه به یک مُسکن می‌ماند، بنابراین ابتدا باید در وادی‌ای قدم گذاشت که بتوان از شدت این بار روانی سنگین و آزاردهنده روی دوش ذهن کاست. «کاتارسیس» یکی از همان روش‌ها است؛ روشی که پیشینه بلندی بویژه در ادبیات نمایشی دارد و به یکی از ابزارهای مهم روانکاوی نیز بدل شده است. به باور جولیان یانگ فیلسوف معاصر، در تعریف کاتارسیس می‌توان گفت «نوعی تسکین خاطر است، نوعی تخلیه فشار به خاطر عاطفه محبوس که وقتی رخ می‌دهد که به خود اجازه می‌دهیم اندوه را به طور کامل تجربه و ابراز کنیم.» به تعبیری دیگر، ارسطو اعتقاد داشت راه برخورد با فشار عاطفی، رهاسازی بی‌خطر است و نه سرکوب. درواقع این رهاسازی می‌تواند با همذات‌پنداری با یک اثر هنری به‌وجود آید. به طور مثال، فرد افسرده یا مغموم با تماشای یک تئاتر یا فیلمی تراژدی یا موسیقی‌ای غم‌انگیز به پالودگی روانی یا حتی آرامشی موقت می‌رسد! اکنون، کاسه بار روانی، ولو اندکی هم که تخلیه شده، نیاز به پر شدن با مایع دیگری دارد که آن می‌تواند «جعل معنا» باشد! در واقع برای آن کسی که دنیا را آورده‌گاه پوچ و بی‌ارزشی می‌داند، یافتن یک معنا می‌تواند موهبتی برای ادامه دادن در این زیستگاه باشد. این جعل معنا یا به تعبیری دیگر، ساختن معنای جدید در ژرفنای این احساس پوچ، آنی است که می‌تواند انگیزه، هدف و احساس ارزشمندی را خلق کند، چرا که هدف داشتن عامل مهمی برای مبارز شدن در کارزار زندگی و میل به زیستن در انسان است. بنابراین همان طور که تالکین نوشت، انجام دادن برخی کارها ولو فرجامش حزن‌انگیز باشد، بهتر است از سر باز زدنش؛ یافتن معنا نیز می‌تواند همین طور باشد، ولو معنایی که در طول مسیر آمیخته به ناکامی و تلخکامی‌ها می‌شود، اما حداقل دلیلی برای دویدن و دوباره جنگیدن در این وادی را دارد، آنچه که او را برای پویایی و ادامه دادن ترغیب و از افسردگی و احساس پوچی و تهی بودن مصون می‌کند، آن هم در مسیری که بی‌تردید، گذراندنش با ارزشمندتر از فتحش است. باری، بی‌دلیل نبود که آلبر کامو در نمایشنامه کالیگولا از زبان کرنا نوشت: «از دست دادن زندگی چیزی نیست و هر وقت لازم باشد من این شهامت را خواهم داشت. اما از دست رفتن معنای زندگی و نابود شدن انگیزه هستی، این است آنچه تحمل‌کردنی نیست. نمی‌شود بی‌انگیزه زندگی کرد.»

هنرمندان در فضای مجازی

طی یک هفته اخیر بخش قابل توجهی از فضای مجازی تحت تأثیر درگذشت چهره سرشناس حوزه فرهنگ، امیر هوشنگ ابتهاج بود، با این حال یکی- دو روزی است که اوضاع و احوال به روال سابق بازگشته و دوباره شاهد انتشار خبرهایی درباره تولیدات تازه فرهنگی- هنری و از سویی اتفاقات مرتبط با این عرصه‌ها در شبکه‌های اجتماعی هستیم.

■ **چهره‌ها**



کیهان کلهر، آهنگساز و نوازنده فیلمی منتشر کرده که در توضیحات آن شعری از زنده‌یاد ابتهاج آمده: «میان خون و آتش ره گشاییم/ ازین موج و ازین طوفان برآییم/ دگربارت چو بینم، شاد بینم/ سرت سبز و دلت آباد بینم» این فیلم بخشی از قطعه «کوهستان دور است» ساخته کیهان کلهر است که سال ۲۰۰۴ پخش شد.



علی محمد مؤدب، نویسنده و شاعر حدیثی از حضرت علی(ع) را استوری کرده که در ترجمه فارسی آن آمده است: «گیرم که امید به پاداش و ترس از کیفر در میان نباشد، آیا باید به مکارم اخلاق پشت کنید؟» استوری بعدی مؤدب بازنشر نقل قولی از زنده‌یاد استاد فاطمی‌نیا، از کتاب نکته‌ها از گفته‌ها، دفتر یکم، صفحه ۳۵ است که در آن آمده است: «عامل مهمی که برزخ را تاریک می‌کند، حرف زدن پشت سر مردم است، غیبت، تهمت، سخن‌چینی و کارهایی از این قبیل. برعکس، یکی از علل روشنایی برزخ، گره‌گشایی از کار مردم است.»



محمد کارت، کارگردان سینما تصویری از پشت صحنه سریال یاغی که چندی است در پلتفرم‌های شبکه نمایش‌خانگی با استقبال مردم روبه‌رو شده منتشر کرده و نوشته است: «تکلیفمون اینه که واسه خودمون تکلیف روشن کنیم.» این سینماگر صفحه‌ای از نشریه قدیمی اطلاعات هفتگی را هم به اشتراک گذاشته، تصویری از طرح جلد این مجله که حاکی از گفت‌وگویی با افشین حسنلو، بازیگر سریال یاغی با این تیتر است: «نقش لالی را دوست داشتم.»



نرگس آبیار، که این روزها «ابلق» را برای اکران در سینماهای کشور دارد پوستری از ساخته سینمایی تازه خود منتشر کرده و در توضیحات ضمیمه آن آورده است: «همزمان با آغاز پیش‌فروش ابلق، پوستر آن رونمایی شد.» او در ادامه نوشته است: «پوستر فیلم سینمای ابلق به کارگردانی نرگس آبیار و تهیه‌کنندگی محمد حسین قاسمی در آستانه اکران و همزمان با آغاز پیش‌فروش رونمایی شد. این فیلم سینمایی از ۲۶ مرداد ماه در سراسر کشور روی پرده می‌رود. طراحی این پوستر را میثم میرزایی انجام داده است.»



عبدالحکیم بهار، مروج کتابخوانی سیستان و بلوچستانی در صفحه خود فیلمی درباره جام باشگاه‌های کتابخوانی رمین، روستای محل زندگی‌اش منتشر کرده است. در این فیلم کوتاه گزارش کوتاهی از فعالیت اعضای این کتابخانه در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.



افشین شحنه‌تبار، مدیر نشر ایرانی- انگلیسی انتشارات« شمع و مه» تصویری را با این مضمون استوری کرده است که: «تمامی آثار انتشارات شمع و مه به زبان فرانسه و انگلیسی در دسترس است.»



سیدجواد رضویان، بازیگر سینما و تلویزیون در استوری خود از علاقه‌مندان شرکت در کارهای خیریه برای انجام کاری دعوت کرده، در توضیحات آن آمده است: «کنار ما باشید، برای بانوان بدون سرپناه و کودکان کار لباس و وسایل بازی و... جمع می‌کنیم.» اگر علاقه‌مند کسب اطلاعات بیشتر هستید می‌توانید سری به صفحه این هنرمند بزنید.



احمد آرام، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی و نمایشنامه نویسی نقل قولی از ویلیام فاکنر را استوری کرده که در آن آمده است: «به یک جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی رنج را نباید امتداد داد، باید مثل یک چاقو که چیزها را می‌برد و از میانشان می‌گذرد از بعضی آدم‌ها بگذری و برای همیشه تمامشان کنی.»

■ **دیگه چه خبر**



صفحه گالری آرتیبیشن پست تازه‌ای منتشر کرده است که تصویری از آثار محمد احصایی در آن به چشم می‌خورد. در توضیحات آن آمده است : «محمد احصایی پیش‌تر با چند رنگ محدود نمونه‌هایی چشم‌گیر از آثار نقاشیخط را خلق کرده بود، اما در این اثر(به عنوان مکاشفه‌ای دیگر از احصایی) در نقاشیخط، او صرفاً با درجات مختلف از یک خانواده رنگی و یک ترکیب‌بندی مستحکم اثری زیبا خلق کرده است.»این توضیحات درباره یکی از نقاشی‌های احصایی روی بوم است که در ابعاد ۸۸ در ۸۸ خلق شده و البته به فروش رسیده است.



صفحه مرکز بین‌المللی موسیقی شرق در ایران خبر از برپایی کارگاه آموزشی نوازندگی بربط (عود ایرانی) به تدریس حسین بهروزی‌نیا منتشر کرده است. بنابر اطلاعات مندرج در این خبر کلاس مذکور به دو شکل حضوری و آنلاین میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. اصول نوازندگی بربط، تکنیک‌های بربط نوازی، تکنیک‌های دشیفر در نوازندگی بربط و متدها و اتودهای نوازندگی بربط عنوان مباحثی هستند که در خلال برگزاری این کارگاه آموزشی به آنها پرداخته می‌شود. شروع این دوره از جمعه ۲۸ مرداد ماه خواهد بود. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید سری به صفحه این مرکز بزنید.

عکس نوشت



فصل سوم نمایش بزرگ میدانی «تنهاتر از مسیح» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی علی اسماعیلی از روز چهارشنبه ۲۶ مرداد در بوستان ولایت اجرای خود را آغاز می‌کند. «تنهاتر از مسیح» سبکی از روضه خوانی هنری با محوریت مصایب خاندان عصمت و طهارت در واقعه عاشورا است که به مدت ۳۰ شب و در دوسانس ۲۰ و ۲۲ در بوستان ولایت اجرا می‌شود. این نمایش آیینی که در سال‌های گذشته با استقبال کم نظیر مردم همراه شده بود، امسال نیز با سبکی متفاوت نسبت به اجراهای قبل، میزبان مخاطبین است.